

پاسخ آقای بنی صدر به یک سؤال : آیا بعد از عراق نوبت ایران می شود؟

پیش از عراق، هم نوبت ایران بود و بعد از عراق نیز نوبت ایران خواهد بود. به این معنی که قدرت سلطه جو، نمی تواند سلطه نجوید، بخصوص که کشور دارای موفقیت ژئوپلیتیکی نظیر موقعیت ایران، دارای منابع نفت و گاز، دارای نقش کلیدی چون نقش ایران در خاور و آسیای میانه و در حوزه بزرگ فرهنگ اسلامی باشد. گرچه مقاومت مردم عراق درسی به دستگاه حاکم امریکا داد که دیگر بفرکر سلطه گری بر کشورهای ما از راه جنگ نیفتد، گرچه این مقاومت روحیه انسانها را در دنیای اسلامی و در دنیای غیر اسلامی تغییر می دهد و امکان های تازه ای در اختیار مردم، می گذارند، اما بنوبه خود، خطرهایی را نیز متوجه کشور ما می کند:

الف - امکان هایی که در اختیار مردم ایران قرار می گیرند:

۱ - سه تجربه، اولی در ایران و دومی در افغانستان و سومی در عراق، به یک نتیجه رسیدند: در لحظه های تعیین سرنوشت، هیچ نیرویی نمی تواند جانشین مردم شود. در ایران، مردم گل را بر گلوله پیروز کردند و رژیم پهلوی فروپاشید و قدرتهای حامی آن رژیم از حفظش ناتوان شدند. در افغانستان، وجدان ملی تجاوز ارتش سرخ را محکوم کرد و آن ارتش را که خود را بزرگترین ارتش زمینی جهان می خواند، در برابر مجاهدین افغان ناتوان و ناگزیر کرد خاک افغانستان را ترک کند. همان وجدان جمعی، این بار رژیم طالبان را محکوم کرد و بمحض آنکه ارتش پاکستان ناگزیر شد از حمایت طالبان دست بردارد، هنوز پای نظامیان امریکائی به خاک افغانستان نرسیده، این رژیم چون برف آب شد. در عراق، وجدان جمعی ارتشهای امریکا و انگلیس را متجاوز شناخت بنا بر این مقاومت میسر شد.

آن توانایی مقاومت ناپذیر را ایجاد می کند که هر ملتی دارد. ملت ما آموزگار ملت های دیگر در معرفت بر این توانایی و بکار بردن آن بوده است و بر او است که از آن و بکار بردنش در آزاد کردن خویش از استبداد حاکم غفلت نکند.

۲ - مردم ایران به چشم می بینند که هزینه بردن یک مستبد و رژیم او توسط قدرت خارجی تا چه اندازه سنگین است. این ملت که ۲۰ شهر یور و بردن رضا خان را از یاد نبرده است و امروز سرنوشت صدام حسین و رژیم اورا زیر چشم دارد، می بیند که،

الف - رژیم صدام، رژیمی که الگوی رژیم ملاتاریاست، برغم مقاومت عراق با قشون اشغالگر، اینک زیر ضربات قدرت حامی دیروز است. و

ب - بهای از میان برداشتن رژیمی از این نوع، تحمل یک ربع قرن جنگ و محاصره اقتصادی - نظامی و باز جنگی چنین ویرانگر و مرگبار و در اشغال ماندن کشور برای مدتی نا معلوم و با سرنوشتی نا معلوم تر است. حال آنکه پایان بخشیدن به رژیم استبدادی از راه جنبش همگانی، نه مجالی برای مداخله خارجی باقی می گذارد و نه هزینه سنگین دارد. در عوض، جهشی عظیم به پیش، به آزادی و مردم سالاری است. بخصوص که

۳ - وجدان جهانی مخالفت با جنگ و سلطه گری را نه با حمایت از رژیم صدام که با حمایت از مردم عراق و آزادی انسان عراقی همراه کرد. بنا بر این، جنبش همگانی برای آزادی و مردم سالاری از حمایت وجدان جهانی برخوردار است. وجدانی که هیچ رژیم استبدادی توان رویارویی با آن را ندارد.

ب - خطر اینکه بعد از عراق نوبت ایران شود چیست؟

۱ - با آنکه مقاومت مردم عراق می باید درس لازم را به امریکا و انگلیس داده باشد، خطر «فرار به جلو» وجود دارد. توضیح اینکه امریکا در افغانستان کامیاب نشده به سراغ عراق رفت و ممکن است ناکامی در عراق وی را به تجاوز به ایران بر انگیزد. جنگ دوم جهانی، یک رشته فرار به جلو بود و امریکا در ویتنام نیز گرفتار چنین «فرار به جلو»ئی گشت. این احتمال گرچه ضعیف است اما مساوی صفر نیست.

۲ - در صورتی که مردم ایران فرصت را معتنم شمارند، هر کس که چشم عقلش کور نباشد، می تواند ببیند که در صورت بدست آوردن مهار ایران و استقرار قوای امریکا در افغانستان و ایران و عراق، امریکا امکان کنترل مناطق وسیعی از هند تا شمال افریقا از سوئی و از آسیای میانه تا خلیج فارس را از سوی دیگر و سلطه کامل بر تمامی منابع

نفت را می تواند بدست آورد. بدیهی است آمریکا نظامی - سیاسی چنین سلطه ای را ندارد مگر اینکه مردم ایران موفقیت را برای آزاد شدن و آزاد کردن، از دست فروگذارند و بگذارند سرنوشت آنها بازیچه رابطه استبدادیان و سلطه جویان امریکایی و انگلیسی بگردد.

۳- هر قدرتی که در جایی اعتبار از دست می دهد، می کوشد در جای دیگر اعتبار بدست آورد. در حال حاضر، رژیم ملاتاریا در شمار بی اعتبارترین و بی حیثیت ترین رژیم ها در جهان است. بنا بر این، فشار وارد کردن به ایران، می تواند اعتبار عاید قدرت اعتبار باخته امریکا کند. این فشار می تواند اشکال اقتصادی سیاسی و نظامی به خود بگیرد. بنا بر این هزینه ماندن در رژیم ملاتاریا بسیار بسیار سنگین می شود.

بنا بر این، این امور مسلم هستند: الف- رژیم استبدادی، آنهم بنام دین، محکوم به سقوط است و ضعف همه جانبه این رژیم، بهترین دست آویز مداخله طلبی امریکا و انگلیس است. و

ب- با توجه به ناتوانی این دو قدرت که اینک بر جهانیان عیان است، مداخله مستقیم و غیر مستقیم این دو قدرت وضعیت بدتری را جانشین وضعیت کنونی ایران می کند و

ج- تنها در مردم ایران آن توانایی هست که خویشان را از استبداد ضد ایرانی، ضد اسلامی آزاد کنند و بدین تغییر، خود را از هزینه ای که زمان به زمان سنگین تر می شود آزاد و به مردم کشورهای منطقه نیز امکان دهد، روحیه توانایی را که پیدا کرده اند، در آزادی و استقلال خود بکار برند.

استقامت مردم عراق موقعیتی را فراهم آورده است که اگر ایران بر خیزد، جهان بر می خیزد.

۱۲ فروردین ۱۳۸۲